

هو

۱۲۱

درباره‌ی

دعا (قسمت اول)

حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب علیشاه)

صد و پنجاه و یکم

پاییز ۱۳۹۲

فهرست
جزوه صد و پنجاه و یکم
درباره‌ی دعا (قسمت اول)

عنوان

صفحه

دعا به معنای مصطلح به معنای خواستن از خدا/ تا دل
خبر نشود و چیزی نخواهد، اسمش دعا نیست / اصل دعا
به خواست دل است، ولو به زبان بیاید یا نیاید / نذر نماز یا
روزه و یا نذر مالی هم دعا می‌باشد / توّسل به بزرگان دین و
شفیع قرار دادن آنها یک نحوه دعا است / در مورد حقّ
شفاعت پیغمبر و ائمه / صدقات و مبرّات به نیّت اطاعت امر
خدا، دعا است / دعاها باید بر حسب اجازه و متناسب با
حال شخص باشد / درباره‌ی مستجاب شدن دعاها/ شرط
اصلی دعا: اگر دل بخواهد، مسلماً خداوند می‌پذیرد. ۸
توجّه قلبی و همّت مؤمن بر امری که در مسیر خواسته و
اراده‌ی خداوند باشد، دعا است / دعا برای برادر مؤمن ولو
برای زندگی مادّی او باشد، یک امر معنوی می‌باشد / رفع
مشکل برادر ایمانی نوعی دعا است / دعا کننده توجّه تام به

معانی دعا داشته باشد / دعای فرزند صالح برای پدر و مادر
و دعای پدر برای فرزند و دعای مؤمن در مظانّ قبول خیلی
زیاد قرار گرفته است / نعمتی نصیب شخص دعاکننده نیز
می‌شود / نماز دعایی است از خدا / جز از خداوند چیزی
نخواهیم / توبه‌ی با خلوص نیت قبل از هر دعا / یکی از
شرایط اصلی اجابت دعا حُسن ظنّ به خدا است ۱۸

در رحمت الهی همیشه باز است / درباره‌ی دعا در اجتماع
مؤمنین؛ خداوند به یکدلی و همدلی آنها توجّه می‌فرماید /
می‌فرمایند در مجالس حلقه‌های ذکر امیدواری بیشتری به
اجابت دعا است / دعا زمانی است که آن خواسته با تصرّح و
فروتنی و احساس عجز باشد و دعاکننده از همه چیز غیر از
خداوند قطع امید کند / خواندن دعاها از این نظر خوب
است که به ما ادبِ دعا کردن را یاد می‌دهد / در دعا نباید از
خداوند طلبکار باشیم / خود ذکر خدا و یاد خدا دعا است /
دعایی بیشتر در معرض اجابت است که برای انسان حالِ
نیاز ایجاد کند / باید دقّت کنیم دعایی را بخوانیم که با
حال ما منطبق باشد / در مورد دعای با زبان غیر، علّت
گفتن التماس دعا / خواستن برای دیگران ۲۷

فرموده‌اند در اوّل و آخر دعا صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله فرستاده

شود / خداوند دوست دارد که از او چیزی بخواهید / بد است که از کریم چیز کوچکی بخواهیم / خدایا مرا آن ده، که آن به / خداوند دوست دارد دعا با تضرّع گفته و خواسته شود / از خدا، خودِ خدا را بخواهید / در مورد اینکه می‌گویند چرا دعا مستجاب نمی‌شود؟ / همان وقتی که خدا حالت دعا می‌دهد، قبول هم می‌کند / حَقُّ النَّاسِ از شرایطی که در اجابت دعا است / دعای خیر بکنید؛ دعای شرّ یا دعای خلاف شرع استجاب نمی‌شود / از دعاهایی که اجابت نمی‌شود وقتی است که دستور خاصی را داده‌اند، اجرا نکرده‌ایم / حالات خوف و رجاء در دعا / در مورد زمان و موقع دعا / درباره‌ی شب قدر و شب‌های بزرگ و مواقعی که

دعا بهتر به اجابت می‌رسد. ۳۸

فهرست جزوات قبل ۵۱

با توجه به آنکه حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب‌علیشاه) پاسخ نامه‌ها و سؤالات را، عموماً در جلسات فقری بیان می‌فرمایند و امکان پاسخ جداگانه به تک تک نامه‌ها و سؤالات نمی‌باشد، لطف نمایید مطالب جزوات بیانات را قبل از طرح سؤال به دقت مطالعه بفرمایید. فقط کسانی جزوات را بگیرند که مطالعه می‌کنند، نه اینکه بگیرند و گوشه‌ای بگذارند.

خواهشمند است به منظور دسترسی هر چه بیشتر علاقه‌مندان به خصوص فقرا و سایر مؤمنین به این جزوه و سایر جزوات بیانات، در صورتی که بیشتر از یک جلد موجود دارید، لطف نموده به سایرین هدیه نمایید. با توجه به آنکه تهیه‌ی جزوات بیانات، مستقل از هر مؤسسه‌ی خیریه و انتشاراتی صورت می‌گیرد، خواهشمند است جهت اعلام سفارش و آشنایی با نحوه‌ی اشتراک، با شماره‌ی تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ تماس حاصل فرمایید.

بدینوسیله از همه‌ی کسانی که در تکثیر این جزوه و سایر جزوات بیانات، توفیق خدمت مالی داشته‌اند، سپاسگزاری می‌شود. مطالعه‌ی جزوات از طریق سایت اینترنتی ذیل نیز امکان‌پذیر می‌باشد. در این سایت، جزوات به تفکیک و شامل: مجموعه‌ی جزوات گفتارهای عرفانی، مکاتیب عرفانی، شرح رساله شریفه پندصالح، گفت‌وگوهای عرفانی، جزوات موضوعی (استخاره، اختلافات خانوادگی، حقوق مالی و عشریه) و... می‌باشد. همچنین در این سایت امکان جستجوی موضوعی در خصوص مطالب مورد نظر، نیز وجود دارد.

WWW.JOZVEH121.COM

هر کسی نامه می نویسد یا مطلبی می گوید، توقع دارد که جواب آن را بدهم و لاقلاً همان پنج خط که او نوشته، من دو خط بنویسم. همان را هم نمی رسم. الان مدتی است دیگر تقریباً نمی توانم بنویسم. خواهش کردم به فهرستی از مطالب گفته شده که هر مرتبه پیاده می شود و منتشر می گردد نگاه کنند، حتماً راجع به مطلب سؤال شده، صحبت کرده ام. دیگران هم که سؤالات مشابه دارند استفاده کنند. برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه، تاریخ ۱۳۸۷/۹/۳۰ ه. ش.

یکی پرسیده که دوبار نامه نوشته ام جواب ندادید. آخر می گویند التماس دعا، من جواب این را چه بگویم؟ جوابی ندارید. همان فرمایش حضرت صالح علیشاه که یکبار گفتم. فرمودند: همان لحظه ای که آنها سلام می رسانند، التماس دعا می گویند، همان لحظه، دعا و خواسته شان به ما رسیده است.

فرض کنیم از هر کسی یک سؤال می رسد. اگر در جواب اینها، یک خط هم بنویسیم، خود این یک کتاب بزرگی می شود. این است که توقع اینکه برای هر سؤال، خود آن شخص را بخواهیم و با هم صحبت کنیم، نمی شود این کار را کرد، نمی رسم.

بنابراین درباره ی سؤال که در ذهنتان پیدا می شود، حتماً جواب داده ام. این جزوه هایی هم که درمی آید، بپرسید که چه موقعی جواب داده ام، همان را بگیرید بخوانید و بعد اگر پیدا نکردید آنوقت بیایید و بپرسید. مثلاً می نویسند شش بار نامه نوشتیم، جواب ندادید. بله، اگر ده بار هم مطلبی که مربوط به من نیست را بنویسید، چه جوابی بدهم؟

برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح چهارشنبه، تاریخ ۱۳۹۲/۲/۴ ه. ش.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.^۱

و دعا که خواندن خداست به خواست دل است (چه بر زبان آید و چه نیاید) که خواستن به دل و نذر روزه یا نماز برای کاری یا نذر مالی نمودن و توسل به بزرگان دین و شفیع قرار دادن روان‌های پاک آنها را نزد خدا که خدا در شفاعت آنها اجازه داده یا صدقات و خیرات در راه خدا و امثال اینها همه مراتب دعاست.^۲

دعا در لغت یعنی خواستن و اصطلاحاً به درخواست از خداوند گفته می‌شود. اصل این کلمه عربی است و از عربی به فارسی آمده است هر چند بنابر تغییر در فرهنگ‌های نزدیک، وقتی کلمات از زبانی به زبان دیگر وارد می‌شوند، تغییرات مختصری در معنای آنها داده می‌شود، در اینجا نیز اینطور شده ولی اصلشان همان معنای اولیه است؛ به خصوص که اصل لغات و اصطلاحات عرفانی و شریعتی از زبان عربی به فارسی آمده است. گفتیم که دعا در فارسی یعنی خواستن ولی در عربی به معنای صدا زدن و فراخواندن نیز هست. مثلاً وقتی کسی را صدا می‌زنید، در زبان عربی به این دعا اطلاق می‌شود. کما اینکه در سوره‌ی قرآن خداوند خطاب به مؤمنین می‌فرماید که: مواظب باشید پیغمبر را

۱. تلفیقی از شرح رساله شریفه پندصالح در جلسات فقری شب‌های جمعه تاریخ‌های ۱۳۷۷/۴/۲۵، ۱۳۷۷/۵/۱، ۱۳۷۷/۵/۸، ۱۳۷۷/۵/۲۹، ۱۳۷۷/۶/۵، ۱۳۸۷/۱۱/۲۴ و ۱۳۸۷/۱۲/۱ ه. ش.

۲. پندصالح، حاج شیخ محمدحسن صالح علیشاه، چ ۷، تهران، ۱۳۷۶، صص ۷۳-۷۲.

که صدا می‌زنید، این مثل دعای بین خودتان نباشد یعنی همانطور که خودتان را صدا می‌زنید (مثلاً می‌گویید: ای آقا! ای رفیق!) مواظب باشید پیغمبر را اینطور فرا نخوانید. پس دعا، به معنای مصطلح و مورد نظر در این کتاب به معنای خواستن از خدا است. خداوند جسم نیست که ما با جسم از او بخواهیم پس چرا با زبان از خدا می‌خواهیم؟ تمام اعمال ما یک نحوه دعاست ولی محرک اصلی و آنچه حرف اصلی ما را تبدیل به دعا می‌کند، آن خواست دل است. فرض کنید دو نفر هر دو می‌گویند: رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً^۱. یکی این عبارت را همینطوری گفته و لذا معنای دعا برایش اطلاق نمی‌شود؛ یکی دیگر این عبارت را از صمیم دل گفته یعنی خواسته‌ی دلش را به زبان آورده، این اسمش دعا می‌شود. پس یک جهت اینکه می‌گوییم چرا ما دعا می‌کنیم ولی پذیرفته نمی‌شود، این است که دعای ما دعا نیست. حتی بعضی‌ها توضیح داده‌اند که در اولین باریابی حضرت موسی به درگاه خداوند که آن حضرت را مأمور و مبعوث فرمود، خداوند دستور داد که دستت را به سینه‌ات بگذار و بعد بردار، یک نوری از آن ظاهر می‌شود. این دستور کنایه از آن است که دست راستت را که دست عمل است، روی قلبت که طرف چپ است بگذار یعنی

وقتی حرفت و عملت، قلبت و عملت، یکی بود، خداوند او را نورانی می‌کند. بنابراین تا دل خبر نشود و چیزی را نخواهد اسمش دعا نیست. اگر همه‌ی کتاب‌های دعا را از اوّل تا آخر بخوانید به صورت ظاهر اسمش دعاست ولی دعا نمی‌شود؛ اما اگر عبارتی را با دل بخوانید دعا تلقی می‌شود.

در قرآن هم دعاهای فراوانی آمده است؛ من جمله همان دعایی که اصحاب کهف کردند. آنها وقتی از همه جا رانده شده بودند (البته کسی آنها را نرانده بود، خودشان روی اعتقاد به خدای واحد نمی‌توانستند در آن محیط زندگی کنند، در واقع دلشان آنها را از آنجا رانده بود) با صمیم دل از خدا خواستند که رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهِيَ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشْدًا.^۱ خداوند هم دعایشان را قبول کرد. پس اصل دعا به خواست دل است؛ ولو به زبان بیاید یا نیاید. اگر خواست دل باشد، به هر صورتی که ظاهر بشود، اسمش دعاست.

بنابراین دعا خواندنی نیست، گفتنی نیست، خوردنی نیست، نوشتنی نیست. لغت دعا، در مورد همه‌ی اینها گاهی به کار برده می‌شود؛ مثلاً می‌گویند فلان دعا را بخوانید، به صورت ظاهر یعنی آن عبارات را بخوانید ولی در اصل یعنی معنای آن عبارات

۱. سوره کهف، آیه ۱۰؛ پروردگارا، به ما از نزد خودت رحمت بده و کارمان را به راه بیاور.

دعای شما باشد. وقتی می‌گویند این دعا را بخوانید، مثلاً این دعا را که: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ نَذْرٍ نَذَرْتُهُ وَكُلِّ وَعْدٍ وَعَدْتُهُ**، خدایا استغفار می‌کنم به سوی تو از هر نذری که نذر کردم ولی ادا نکردم و هر وعده‌ای که وفا نکردم، صرف خواندن عبارات دعا که فایده ندارد. خواندن دعا در صورتی باید باشد که با دل همراه باشد چون مبنا و منشأ دعا از دل است. البته به زبان هم گفته بشود خیلی بهتر است؛ برای اینکه تمام اعضای ما، به آن معنا توجه کنند. کما اینکه در قرآن هم دستور داده شده: **فَأَقْرُوا مَا نَسَرَّ مِنَ الْقُرْآنِ**^۱، هرچه ممکن است از قرآن بخوانید و در جای دیگری فرموده: **وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً**^۲، قرآن را آرام و شمرده بخوانید. چرا باید آن را بخوانند؟ برای اینکه هم زبان به کار بیفتد و در راه خدا حرف بزند و از خدا چیزی بخواهد و هم گوش که این را می‌شنود، در راه خدا باشد و آن مطلبی را که زبان می‌گوید، از خدا بخواهد. چشم هم که به عبارات قرآن نگاه می‌کند، همین را از خدا بخواهد. در روز قیامت، زبان، گوش، چشم و پوست دست و همه‌ی اعضای بدن ما (غیر از خودمان که همه‌ی چیزها را درباره‌ی خود می‌دانیم، خدا هم که خودش خبر دارد) اینها هم علیه ما شهادت می‌دهند، طوری که انسان خطاب به اعضایش می‌گوید: **لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا**، آنها می‌گویند:

۱. سوره مزمل، آیه ۲۰.

۲. سوره مزمل، آیه ۴.

أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ^۱، خداوند ما را به زبان آورد، همانطور که همه‌ی اشیاء را به زبان می‌آورد. اما به زبان آوردن به این معنا نیست که آنجا زبان نصب می‌کنند؛ بلکه یعنی نشان می‌دهند. بنابراین بیاموزیم که در آن حالت، چشم بگوید: من نگاه به قرآن کردم، زبان بگوید: من قرآن را با ترتیل خواندم، گوش بگوید: من قرآن را که با ترتیل می‌خواندند، شنیدم و خلاصه همه به این طریق شهادت نیکو بدهند. البته بهتر این است که دعا که اصلش از دل است با زبان هم توأم باشد و در مواردی که مانعی ندارد بلندتر خوانده شود که گوش هم بشنود.

اگر دعا را به این معنا بگیریم یعنی به معنای خواستن از خداوند، خیلی چیزها را می‌توانیم دعا بدانیم. طرق و مراتب مختلفی است که ممکن است دعا به دل ظاهر شود، این است که کسی نذر نماز یا روزه و یا نذر مالی می‌کند؛ اینها هم دعا است. برای اینکه در آن نذر کردن علی‌القاعده هیچ انگیزه‌ای جز خواست دل ندارد و این است که امید دارد خداوند آن را قبول کند. توسل به بزرگان دین و شفیع قرار دادن آنهایی که خداوند به آنها اجازه‌ی شفاعت داده نیز خودش یک نحوه دعاست. اللَّهُمَّ إِنِّي بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ وَبِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ أَعْتَمِدُ عَلَيْكَ وَبِمُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

وَاللّٰهِ اَسْتَشْفِعُ لَدَيْكَ و... ما برای این، آن بزرگواران را شفیع قرار می‌دهیم که از خدا بخواهیم: خدایا! گناهان ما را ببخش و به همین جهت هم فرمودند که هر دعایی می‌خوانید، بهتر این است که در اوّل و آخرش صلوات بر پیغمبر بفرستید یعنی دست به دامن او بشوید، دست او را بگیرید تا او شما را ببرد، شاید که آن دعا قبول بشود.

راجع به شفاعت، قرآن در آیات متفرقه می‌فرماید که در قیامت حتی ملائکه هم همه حقّ شفاعت ندارند، مگر آنهایی که خداوند به آنها اذن بدهد. لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا^۱، هیچکس حقّ شفاعت ندارد مگر آن کسی که نزد خداوند عهدی دارد یعنی با خدا پیمان دارد؛ که البته این عهد را انبیاء و اوصیاء دارند. در قرآن خطاب به پیغمبر آمده است که از تو عهد گرفتیم همانطوری که از گذشتگان تو، از نوح، ابراهیم، موسی، عیسی عهد گرفتیم.^۲ اینها همه عهد دارند.

اما اینکه آیا شفاعت هست، عقاید مختلفی گفته شده؛ چنانکه در مذهب وهابی انتقاداتی مطرح شده است ولی ما به هرجهت شفاعت را قبول داریم ولی اینکه خود شفاعت چیست، معلوم نیست و در این باره بحث است. به این دلیل خداوند

۱. سوره مریم، آیه ۸۷.

۲. سوره احزاب، آیه ۷.

می‌فرماید که در آن روزی که نه شفاعت به درد می‌خورد و نه مالی؛^۱ پس معلوم می‌شود روزی هم هست که در آن شفاعت به درد می‌خورد ولی اینکه چه روزی است و چطوری است، آن مطلب دیگری است. از طرفی آیاتی هم وجود دارد (چنانکه دیدیم) که می‌فرماید هیچکس حق شفاعت ندارد مگر آنکه خداوند به او اجازه بدهد.

در این میان پیغمبر ما از همه بیشتر حق شفاعت دارد. در خبری از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام است که از یکی از صحابه‌ی خودشان پرسیدند: در نظر شما (منظور ایشان مردم عادی بود) کدام آیه برای اُمّت از همه امیدوارکننده‌تر است؟ او گفت: این آیه که لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً^۲، از رحمت خداوند ناامید نشوید برای اینکه خداوند همه‌ی گناهان را می‌بخشد. حضرت فرمودند: این آیه بشارت است ولی برای مؤمنین آیه‌ی بشارت دیگری است که از این هم مهم‌تر است. عرض کرد: چیست؟ فرمودند: این آیه که... وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى^۳، به زودی آنقدر به تو ببخشیم تا رضایت پیدا کنی. نقل است از پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که فرمود: من راضی نمی‌شوم به بهشت بروم مگر وقتی که خداوند همه‌ی اُمّت من را

۱. سوره بقره، آیه ۲۵۴.

۲. سوره زمر، آیه ۵۳.

۳. سوره ضحی، آیه ۵.

ببخشد و به بهشت ببرد.

منظور اینکه پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام حَقِّ شفاعت دارند. بنابراین توسل به آنها خودش یک دعا است. هم پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و هم ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام چنین فرموده‌اند؛ که البته به اعتبار پیغمبری یا امامت نیست چون در نماز می‌خوانیم: **أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ**.

نحوه‌ی دیگر دعا این است که تمام جهان دعا می‌کنند و از خدا می‌خواهند ولی ما نمی‌شنویم و حرف‌ها و دعاهایشان را احساس نمی‌کنیم؛ که به قول مولوی:

ما سمیعیم و بصیریم و خوشیم

با شما نامحرمان ما خامشیم^۱

در و دیوار تسبیح خدا می‌کنند و همه از خدا می‌خواهند که آنچه مقتضای وجودشان است، به آنها اعطا کند. بنابراین تمام جهان به این اعتبار دعا می‌کنند یعنی از خداوند می‌خواهند. برای اینکه یک لحظه اگر اراده‌ی خدا برگردد، خورشید و ماه و همه‌ی ستارگان همه در هم فرو می‌افتند. این هم نحوه‌ای دیگر از دعاست. البته صدقات و مبرات هم که داده می‌شود و به نیت اطاعت امر خداست، دعاست.

این دعاها گاهی به دل و به صورت ناله‌ی درون است،

۱. مثنوی معنوی، تصحیح توفیق سبحانی، روزنه، تهران، ۱۳۷۸، دفتر سوم، بیت ۱۰۱۹.

بدون اینکه به زبان بیاید، به قول مولوی:

خامشند و ناله‌های زارشان

می‌رسد تا پای عرش یارشان^۱

یا ممکن است به زبان بیاید که همین دعاهایی است که در کتب نوشته‌اند یا به ما دستور داده‌اند ولی در عین حال تذکر داده‌اند که دعاهای مذکوره باید برحسب اجازه باشد. برای اینکه باید متناسب با حال شخص باشد، و^۲ آنچه به خواست دل است و دل از خدا می‌خواهد، دیگر محتاج به این عبارتها نیست. اگر دل بشکند و توجه به خداوند بکند، مسلماً دعا مستجاب می‌شود؛ به خصوص اگر به دعاهای قرآن توجه کنید. در دعاهای قرآن در جایی پنج ربنا آمده است: رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا... الی آخر.^۳ به دنباله‌اش می‌فرماید: فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ^۴، خداوند از اینها دعا را قبول کرد. در جای دیگری می‌فرماید کسانی می‌گویند: رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً^۵، پروردگارا، در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا کن، خداوند پاداش نیک برای عمل آنها داد. در جای دیگر از قول موسی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: وَأَفْوُضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ^۵،

۱. مثنوی معنوی، دفتر سوم، بیت ۳۸۴۹.

۲. سوره آل عمران، آیات ۱۹۴-۱۹۱.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۹۵.

۴. سوره بقره، آیه ۲۰۱.

۵. سوره غافر، آیه ۴۴.

خداوند او را از بدی‌ها و خطرات حفظ کرد. البته این دعاها چون خود قرآن به دنباله‌اش قول اجابت داده، بهتر از دعا‌های دیگر است. به قول مولوی خداوند دعایی را که خودش کرده مسلماً اجابت می‌کند.

چون خدا از خود سؤال و گد کند

پس دعای خویش را کی رد کند^۱

شرط اصلی دعا این است که به انگیزه‌ی دل باشد. اگر دل

بخواهد، مسلماً خداوند می‌پذیرد، ان شاء الله.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.^۱

و توجّه قلبی و همّت مؤمن بر امری دعاست و البتّه با توجّه تامّ دل و حال رستگاری و بیچارگی که بریدن از ماسوی است اجابت می‌شود و برای افزونی توجّه و یکتا شدن دل، پاک‌ی تن و پوشاک از حدّث و خبث و مال دیگران نبودن و پاک‌ی دل از آلودگی‌ها و توبه و انابه و خوراک حلال و مواظبت شرع و افسرده نبودن مؤمن و اجازه‌ی عمومی یا خصوصی دستور داده شده.^۲

توجّه قلبی و همّت مؤمن بر امری که الهی باشد و در مسیر خواسته و اراده‌ی خداوند باشد، دعا است. دعا برای برادر مؤمن، ولو برای زندگی مادّی او باشد، یک امر معنوی بوده و امر مادّی حساب نمی‌شود. خاصّه رفع مشکل برادر ایمانی، خودش نوعی دعا است. اگر همّت بر کاری بکند یعنی توجّه کند که رفع مشکلی از خودش یا از دیگران کند، اینها نیز دعا محسوب می‌شود. حتّی رفع مشکل از خودش و خانواده‌اش نیز دعا است. برای اینکه خودش و اعضای خانواده‌اش هم از بندگان خدا هستند، خواستن نعمتی برای آنها هم مورد توجّه ربّ العالمین است.

۱. تلفیقی از شرح رساله شریفه پندصالح در جلسات فقری شب‌های جمعه تاریخ‌های ۱۳۷۷/۴/۲۵، ۱۳۷۷/۵/۱، ۱۳۷۷/۵/۸، ۱۳۷۷/۵/۲۹، ۱۳۷۷/۶/۵، ۱۳۸۷/۱۱/۲۴ و ۱۳۸۷/۱۲/۱ ه. ش.
۲. پندصالح، ص ۷۳.

خداوند در این موارد فرموده است: اُدْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ^۱، مرا بخوانید اجابت می‌کنم. فرموده: اُدْعُونِي، مرا بخوانید، نفرموده: اُدْعُو مِنِّي، از من بخواهید. پس در واقع یکی از شرایط اینکه دعا به اجابت برسد این است که خدا را بخوانید. خدا را خواندن هم نه فقط به عبارت ظاهر است بلکه در آن خواسته‌ها باید جنبه‌ی الهی باشد. وقتی برای برادران مؤمن دعا می‌کنیم که رفع مشکل زندگی‌شان بشود، این دعا خواسته‌ای است از خدا، هر چند که ظاهراً این امر مادی است. البته توجه تام هم باید داشت یعنی آنچه‌مان غرق در آن خواسته و در آن دعا باشیم که کاملاً متوجه باشیم، در این صورت اگر با توجه و اهتمام خاصی باشد، اجابت می‌شود.

در مورد اجابت دعا هم خیلی بحث شده که چرا دعاهای ما اجابت نمی‌شود؟ چرا خداوند به آنها توجه نمی‌کند؟ در اصول کافی بابی است که در مورد دعاست. بیشتر احادیثی که از ائمه علیهم‌السلام راجع به دعا رسیده در آنجا ذکر شده، ائمه از همه بیشتر دعا می‌کردند. صحیفه سجّادیه سراسر دعاست؛ از دعاهایی است که می‌توان گفت از

دعاهای منقول دیگر معتبرتر است. این است که توصیه می‌شود که ولو برای درک معنای دعای هم که شده، صحیفه سجّادیه خوانده بشود. در آنجا فرموده‌اند که از دعاهایی که در مظانّ اجابت بیشتری است، دعای امام عادل است. امام عادل یعنی پیشوای عادل؛ البتّه ائمّه‌ی ما همه عادل هستند. اگر شخص ستم‌دیده از خداوند بخواهد که رفع ستم بشود یا از خداوند مجازات ستمکار را بخواهد، این دعا بیشتر در مظانّ اجابت است. البتّه به آن شرایطی که گفتیم یعنی دعاکننده توجّه تام به معانی دعا داشته باشد.

دیگر، دعای فرزند صالح برای پدر و مادر است که در مظانّ قبول خیلی زیاد قرار گرفته و همچنین دعای پدر برای فرزند و دعای مؤمن.

در دعاهایی که انسان برای کس دیگری از خداوند موهبتی و نعمتی می‌خواهد، خداوند دو برابر این نعمت را می‌دهد. بعد از اینکه دعا را قبول کرد لااقل معادل همین نعمت را هم برای دعاکننده قائل می‌شود. از اینجا می‌توان به آیه‌ی شریفه‌ی قرآن: مَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا^۱، کسی که وساطت در کار

خیری بکند (شفاعت هم به معنی وساطت است) خودش هم نصیب می‌برد، پی برد؛ به خصوص در مورد دعای فرزند نسبت به پدر و مادر. با توجّه به اینکه از آیات قرآن کاملاً فهمیده می‌شود، رضایت پدر و مادر سرمایه‌ی بسیار بزرگی برای شخص است. پس، از این جهت هم یک نعمتی نصیب این شخص دعاکننده می‌شود. رضایت پدر و مادر را عملاً دیده‌ایم، کسانی که رضایت پدر و مادر همراهشان بوده، مثل این است که یک بولدوزری جلوی راهشان است و جاده‌ی ناهموار زندگی را برایشان صاف می‌کند.

در این باره در قرآن از قول حضرت نوح می‌فرماید: رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا.^۱ حضرت ابراهیم هم نظیر همان را می‌فرماید: رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ.^۲ اینها دعای بزرگان است که برای پدر و مادر خویش دعا کرده‌اند. همچنین برای فرزند می‌فرماید: وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ^۳، ذریه‌ی من را پاک و درست قرار بده.

حالا می‌رسیم به این سؤال که ما می‌خواهیم از خداوند چه بخواهیم؟ خداوند که شریک نمی‌پذیرد. در

۱. سوره نوح، آیه ۲۸.

۲. سوره ابراهیم، آیه ۴۱.

۳. سوره احقاف، آیه ۱۵.

آیه‌ای از قرآن می‌فرماید که مشرکین چیزی را که قربانی می‌کنند به گمان خود می‌گویند: هَذَا لِلَّهِ بِرِعْمِهِمْ وَهَذَا لِشُرَكَائِنَا، بعد می‌فرماید: وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ^۱، این برای خداوند است و این هم برای بت‌های خودمان، آنچه می‌گویند برای خداوند است به خدا نمی‌رسد، اینها همه می‌رود به جانب شرکا. پس ما هم در دعا از یک مبدأ باید بخواهیم. باید یکی بین باشیم یعنی توجّه کنیم و معتقد باشیم که آنچه می‌خواهیم جز به دست خداوند نیست، جز از خداوند چیزی نخواهیم. دعا وقتی به این صورت باشد، ان شاء الله مورد قبول واقع می‌شود.

خداوند دستوراتی برای مقدمات نماز داده است. نماز هم گونه‌ای دعاست؛ چنانکه در قرآن می‌فرماید: قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ^۲، به آنها بگو که نماز من و اصولاً همه‌ی عبادت‌های من و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند، پروردگار جهانیان است. نماز در اینجا به معنای دعا هم گفته می‌شود. نماز دعایی است از خدا. این دعاهایی که خداوند به ما امر کرده، گفته از من بخواهید، دستور هم داده که چه کار کنیم. مثلاً دستور داده که وضو

۱. سوره انعام، آیه ۱۳۶.

۲. سوره انعام، آیه ۱۶۲.

بگیریم (البته اگر غسلی هم داشتیم چه بهتر) دستور داده که لباسمان پاک باشد. ما هم اگر بخواهیم دعا کنیم باید این موارد را رعایت کنیم. اصولاً باید توجه کنیم به هنگام دعا، ما از چه کسی می‌خواهیم؟ از خداوند چیزی می‌خواهیم. رحم، شفقت و بخشش از خدا می‌خواهیم، حتی روزی را هم، همه از خدا می‌خواهیم یعنی داریم به درگاه خدا می‌رویم که از او بخواهیم در همه‌ی کارها و گرفتاری‌ها کمک مان کند. ما داریم نزد بزرگی می‌رویم، در همین دنیای به اصطلاح دون، وقتی پیش بزرگی می‌روید چه کار می‌کنید؟ مثلاً اینکه باید لباستان تمیز باشد، اما چه نوع تمیزی؟ البته بزرگان دنیایی می‌گویند تمیز یعنی مثلاً به اصطلاح متداول، لباسمان شیک و اتوکشیده باشد ولی خداوند می‌فرماید: نه، ژولیده پیش من بیایید ولی پاک باشید. خودش فرموده است چه چیزهایی ناپاکی است: نجاست‌ها و... همه را فرموده و دستور داده که از آنها پاک باشید. در مورد لباس فرموده است که وقتی به نماز (که خداوند بار داده) می‌ایستیم و به حضور می‌رویم، اگر یک نخ از این لباسمان غصبی باشد، نمازمان درست نیست. در مورد پاکی جسم هم فرموده است دست و صورتتان را بشویید و

بیاید یعنی وضو بگیرید. اگر برای وضو به دلایلی منع دارید، تیمم کنید. خداوند خودش ما را آفریده، خودش مقتضیات بدن ما را می‌داند، اگر کسی زخمی دارد و نمی‌تواند وضو بگیرد، تیمم می‌کند.

اما به هنگام دعا از همه مهم‌ترین است که بدانیم می‌خواهیم پیش خدا برویم؛ خجالت نمی‌کشیم که به دستوراتش رفتار نکردیم و حال از او چیزی می‌خواهیم؟ این را چه کار کنیم؟ با این همه گناهایی که داریم، با این همه کوتاهی‌ها که داریم، باز هم از او درخواست می‌کنیم؟ البته نباید شرمنده شد. از چه کسی بخواهیم؟ جز او کسی را نداریم که از او بخواهیم. اینجا خودش مرزده داده و فرموده است: لَا تَقْنُطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً، ای مؤمنین مایوس از رحمت خدا نشوید، خداوند همه‌ی گناهان را می‌بخشد. چطوری می‌بخشد؟ با توبه، توبه‌ی با خلوص نیت. پس قبل از هر دعا، غیر از رعایت آن مقدمات صوری، با خلوص نیت از هر گناهی که به آن آگاه هستیم (که خیلی گناهان از ما سرزده و یادمان نیست ولی خداوند یادش است) از همه‌ی آنها توبه کنیم و بعد دعا کنیم.

یکی دیگر از شرایط اصلی اجابت دعا این است که واقعاً

حُسن ظنّ به خدا داشته باشیم. خداوند فرموده است که من با کسی هستم که حُسن ظنّ به من داشته باشد. باید قلباً معتقد باشیم و به خدا تکیه کنیم. دعایی که می‌خوانیم مثل عصایی است، باید به این عصا تکیه کنیم؛ نه با زبان، بلکه با دل. بگوییم خدایا! من غیر از تو کجا بروم؟ آنچه بخواهم از چه کسی غیر از تو بخواهم؟ بعد به کرم خدا امیدوار باشیم که در روز قیامت می‌گوید: *يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا عَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ*^۱، ای انسان چه چیزی تو را به ربّ کریمت مغرور کرد؟ خودش می‌فرماید: ربّ کریم و ما هم به این کرم تکیه می‌کنیم و امیدوار هستیم که ان شاء الله خداوند دعا را قبول می‌کند.

نقل است که یک وقت خشکسالی شده بود و باران نمی‌آمد. هر روز عده‌ای بیرون می‌رفتند و دعای باران می‌خواندند. مؤمنی در آنجا بود که می‌گفت با دعای اینها باران نمی‌آید. یک روز که عده‌ای یهودی آمدند و با حال تضرّع و زاری دعا کردند، آن شخص فرمود: امروز باران می‌آید، برای اینکه اینها جز به باران زنده نیستند و فقط به خدا اتکا دارند. در روایت دیگری نقل است که یک روز که عده‌ای آمدند و سرپوش و به اصطلاح چتر هم دستشان بود، گفت: امروز با خداست که باران بیاورد. اینها آنقدر به

۱. سوره انفطار، آیه ۶.

کرم خدا امیدوار هستند که چتر آوردند. حالا ما هم باید از خدا باران بخواهیم، چتر هم داشته باشیم و امیدوار باشیم که ان شاء الله دعایمان قبول بشود.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ .^۱

والبته در حال ریزش رحمت و موقع اجتماع مؤمنین به وجهه‌ی ایمانی و موقع راز و نیاز مؤمنین مناسب‌تر و به اجابت نزدیک‌تر است. مخصوصاً در حال توبه‌ی مؤمنین و مجالس و حلقه‌ی ذکر آنها که رحمت خدا شامل است نباید کوتاهی نمود و دعای زبانی هم اگر از دل خیزد که زبان هم بگوید یا بخواند و توجه نماید که در دل اثر نماید و حال شود دعا خواهد بود و خواندن دعاها که مسلم است از بزرگان رسیده برای آموختن طرز مناجات و راز و نیاز و طریق ادب بسیار ممدوح است که کمترین بهره‌ی آن دانستن است که انسانی نباید از خود به خارج بپردازد یا خود را بی‌گناه پندارد بلکه باید گناهان خود را پیش چشم آورده و به خدا پناه برد و از او بخشش بخواهد برای خود و برادران و پدر و مادر و نیاکان و فرزندان خود و نیکی آنها را از خداوند بخواهد. یاد گذشتگان نماید و برای آنها بخشش و رحمت درخواست کند و اجابت دعای برادران را بخواهد.^۲

البته در رحمت الهی همیشه باز است، منتها ما خواهیم، وگرنه آن در باز است. اما مع ذلک مواقع معینی بیشتر برای دعا کردن توصیه شده است. یک علتش این است که در آن مواقع حال

۱. تلفیقی از شرح رساله شریفه پندصالح در جلسات فقری شب‌های جمعه تاریخ‌های ۱۳۷۷/۴/۲۵، ۱۳۷۷/۵/۱، ۱۳۷۷/۵/۸، ۱۳۷۷/۵/۲۹، ۱۳۷۷/۶/۵، ۱۳۸۷/۱۱/۲۴ و ۱۳۸۷/۱۲/۱ ه. ش.
۲. پندصالح، صص ۷۵-۷۳.

دعا بیشتر دست می‌دهد. کما اینکه در مجالسی که دعا برقرار است و همه در حال دعا هستند، یا در مجالس عزاداری، مثل دهه‌ی محرم که همه متوجه هستند و ناله می‌کنند، این حال در دیگران هم اثر می‌کند و حال دعا برایشان پیش می‌آید. علت دوّمش هم این است که در آن حال که اجتماع مؤمنین است، سایر مؤمنین هم همگی رو به خدا دارند. البتّه خداوند همیشه و در همه جا هست و با فرد فرد بندگانش ارتباط دارد و هیچ ارتباطی مانع ارتباط با دیگری نمی‌شود ولی مع ذلک وقتی می‌بیند که عده‌ای از مؤمنین با هم دعا می‌کنند و از او چیزی می‌خواهند، آن را بیشتر اجابت می‌کند چون خداوند به یکدلی و همدلی آنها توجه می‌فرماید.

بطوری که بارها گفته‌ام، خداوند راجع به هیچیک از نعماتی که به بندگانش عنایت کرده منت نمی‌گذارد، مگر یکی در مورد نعمت ایمان و راهنمایی به ایمان و دیگری راجع به نعمت اخوت و برادری که می‌فرماید: *وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا*^۱. وقتی عده‌ای از مؤمنین با هم جمع هستند و در دل از خدا درخواست می‌کنند، این وحدت و این اتفاق آنها شکرگزاری نعمتی است که خداوند به آنها داده یعنی

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

دل‌های آنها را با هم نزدیک کرده است. بنابراین در این موارد امیدواری به اینکه دعا اجابت شود بیشتر است. به همین جهت هم می‌گویند در نماز جماعت و قنوت، دعایی که امام می‌خواند، اگر اقتداکنندگان هم آن را می‌دانند همان دعا را بخوانند و اگر نه، به میل خودشان دعای دیگری را نخوانند و آنچه با آن دعا تناسب دارد، از خدا بخواهند. این است که می‌فرمایند در مجالس حلقه‌های ذکر، امیدواری بیشتری به اجابت دعا است و این بنابه حدیثی است که از پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وارد است که حلقه‌ی ذکر باغی از باغات بهشت است. ذکر یعنی یاد خدا، به هر صورت عده‌ای با هم به یاد خدا جمع باشند، حلقه‌ی ذکر است.

اگر اعضای بدن ما هم با دل‌مان همراهی کنند، چه در نماز و چه در دعا، بیشتر امید اجابت است. کما اینکه گفته‌اند در نماز باید خضوع و خشوع داشته باشیم یعنی هم دل‌مان و هم تن‌مان نزد خداوند فروتن باشد. اصل دعا هم از دل است. اما اگر از زبان هم گفته شود (به شرط آنکه از دل برخیزد یا اینکه در دل اثر کند) در این صورت آن بیان هم دعا است. چون دل‌مان توجه دارد، پس چه بهتر که زبان‌مان هم دعا کند. در موقع نماز هم که می‌گویند بهتر است که به مظهر نگاه کنند، برای این است که چشم هم در واقع بنابه وظیفه‌ی بینایی‌اش در حال دعا و بندگی باشد یعنی به جای

معینی نگاه کند. اصولاً تمام بدن، دست، سر و... ایستاده، بدون حرکت، در حال دعا و بندگی باشد. همانطور که گفتیم اصل دعا البته از دل است ولی اینها رشته‌هایی است که از دل به همه‌ی اعضای بدن کشانده می‌شود.

در مورد عبارت دعا، هر عبارتی که از دل برخیزد و حاکی از خضوع و خشوع برای خداوند باشد، آن دعاست. اما خیلی از دعاهایی که ما دعا حساب می‌کنیم در واقع دعا نیست بلکه امریه است نسبت به خداوند یعنی ما می‌گوییم: خدایا، این کار را بکن، امر می‌کنیم. دعا زمانی است که آن خواسته با تضرع و فروتنی و احساس عجز باشد یعنی دعاکننده از همه چیز جز خداوند قطع امید کند و فقط به خداوند نظر داشته باشد. این دعاست، نه دعاهایی که بدون وجود چنین شرایطی، تنها با زبان می‌گوییم.

اما دعاهایی که ماثور است و از ائمه و بزرگان به ما رسیده، چگونه است؟ چون گفتیم دعا به دل است و دل هم همیشه در اختیار ما نیست، بنابراین آن کسی که دلش به سوی محبوب مایل است، هر عبارتی که به خاطرش رسید، بگوید، درست است؛ مثل داستان موسی و شبان در مثنوی که خداوند موسی را به دلیل عدم توجه به زبان دل شبان توبیخ کرد. اما از آن طرف وقتی که ما در بارگاه الهی به دعا متوسل می‌شویم، رعایت ادب لازم را هم باید

بکنیم. چگونه ما در زندگی دنیایی مان آدابی داریم. به این منظور توجه به دعاهایی که بزرگان کرده‌اند، خیلی مفید است. خواندن این دعاها از این نظر خوب است که به ما ادب دعا کردن را یاد می‌دهد.

ائمه‌ی معصومین، حضرت سجّاد و ائمه‌ی دیگر، همیشه استغفار می‌کردند. می‌گویند پیغمبر ﷺ روزی هفتاد مرتبه استغفار می‌فرمودند؛ حالا وای به حال ما! همچنین در اخبار آمده است که یکی از ائمه علیهم‌السلام غلامان خودشان را خواستند و فرمودند بیایید با هم شرط کنیم که در آن عالم هر یک شفیع دیگری بشود. آنها متأثر شدند و گفتند: یا بن رسول الله، شما که اینطور می‌فرمایید ما چه بگوییم؟ این ادب دعاست که آن بزرگواران به ما یاد می‌دهند. ما در دعا نباید از خداوند طلبکار باشیم، بلکه در مقابل خداوند بایستی خودمان را بدهکار و گناهکار بدانیم که به آن اندازه‌ای که وظیفه‌ی ماست نتوانستیم و نمی‌توانیم اطاعت کنیم. تمام دعاهایی که از ائمه رسیده مبتنی بر توجه به این قصور و تقصیر نسبت به خداوند و معذرت خواستن از اوست.

در همه‌ی این دعاهاى مأثوره، هر چند جمله یک‌بار، صلوات بر پیغمبر و آل پیغمبر دیده می‌شود. می‌گویند کسی که صلوات و درود بر پیغمبر بفرستد و برای ایشان دعا کند، خداوند

هم دعایش را قبول می‌فرماید.

دعایی هم بیشتر در معرض اجابت است که برای انسان حال نیاز ایجاد کند. فی‌المثل هنگام زیارت بزرگان، زیارت قبور ائمه‌ی اطهار، وقتی به حرم مشرف می‌شویم، موجبات اینکه حال دعا برای انسان دست بدهد بیشتر فراهم است. البته مشرف شدن (ولو حال نیاید) از لحاظ ظاهری اظهار ادب است که به حضور امام می‌رویم؛ چون امام همیشه زنده است. ائمه فرموده‌اند: **كُلُّهُمْ نُورٌ وَاحِدٌ**. وقتی ما به امام زنده‌ای معتقد هستیم، این امام هم که سلف او بوده مثل او است؛ خلف مثل سلف است و سلف مثل خلف است.

موقع مناسب دیگر هم برای دعا در مجالس راز و نیاز مؤمنین یا مجالس ذکر خدا است. تأکیدی که به حضور در مجالس فقری شده، که در درجه‌ی اول شب جمعه است و بعد شب دوشنبه، برای همین است که در آنوقت انسان با حال و هوای مؤمنین دیگر هماهنگ می‌شود و احتمال اینکه خداوند حال دعا را به انسان بدهد بیشتر می‌کند. اگر همانوقت هم حال دعا را ندهد، با دیدن مؤمن انسان یاد خدا می‌کند و یاد خدا دعاست. اصلاً خود ذکر خدا و یاد خدا دعاست. دعا یعنی خواستن؛ وقتی ما به یاد خدا باشیم یعنی اینکه ذکر خدا می‌کنیم. در ذهن ما این اندیشه است

که ما در درگاه خداوند فقیر هستیم. خدا فرموده: **أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ**^۱، شما همه نسبت به خداوند فقیر هستید و خداوند غنی است. این حالت با همان یاد همراه است که ما هیچ چیزی نداریم و یاد آن واجب الوجودی می‌کنیم که همه چیز دارد. به قول مشهور: سلام روستایی بی سبب نیست. وقتی یادش می‌کنیم، می‌گوییم: **إِلَهِی كَفَى عِلْمُكَ عَنِ الْمَقَالِ وَكَفَى كَرْمُكَ عَنِ السُّؤَالِ**^۲، خدایا، تو علم داری؛ علم تو کافی است از گفتار ما. **وَكَفَى كَرْمُكَ عَنِ السُّؤَالِ**، کرم تو کافی است برای ما که دیگر احتیاج به دعا نیست. ما هیچ چیز نداریم و تو همه چیز داری. این خودش دعاست.

عرفاً به دعا یک لغت اضافه شده و می‌گویند: دعا خواندن. دعا خواندن مثل کتاب خواندن است. مانعی ندارد که آن را بخوانید ولی آنچنان بخوانید که یا در دل اثر کند و یا از دل در زبان اثر کرده باشد و گفته بشود؛ در این صورت حال و دعا می‌شود ولی به صرف زبان اگر همه‌ی کتاب دعا را هم بخوانیم، دعا نیست، مطالعه است. البته به عنوان مطالعه هم دعاهایی که از ائمه رسیده خوب است. یک وقت انسان حالی دارد که آن ادعیه را به عنوان دعا می‌خواند و یک وقت به عنوان مطالعه می‌خواند که ببیند این بزرگواران چه فرموده‌اند و یاد بگیرد؛ اما در این موقع او در

۱. سوره فاطر، آیه ۱۵.

۲. بحار الانوار، مجلسی، لبنان، مؤسسه الوفا بیروت، ۱۴۰۴ ق، ج ۹۲، ص ۲۵۲.

مقام کثرات است. البته نه اینکه از دعا خواندن اصلاً مستغنی هستیم. دعا خواندن بسیار خوب است، به شرط آنکه توجّه کنیم که در دل اثر بکند؛ به خصوص دعاهایی که از ائمه رسیده است.

دعای کمیل، دستوری است که علی علیه السلام به کمیل فرموده‌اند و یاد داده‌اند، بنابراین بهترین الگو برای ما می‌شود که آن را بخوانیم؛ نه فقط به عنوان دعا، به عنوان اینکه یاد بگیریم. دعاهای دیگری هم هست؛ البته باید دقت کنیم دعایی را بخوانیم که با حال ما منطبق باشد و معانی آن را درک کنیم، نه دعاهایی که دور از ذهن ماست و یا در درجه‌ی سلوک بالاتری قرار دارد. یاد دعای صباح یا دعاهای صحیفه سجّادیه که حضرت سجّاد نقل کرده‌اند. وقتی دعاهای حضرت سجّاد را می‌خوانیم واقعاً باید از خودمان شرم‌منده بشویم. حضرت با اینکه عصمت ولایت داشتند، بنابراین چه مورخین در شرح حال حضرت نوشته‌اند، چقدر به درگاه خدا استغفار و توبه می‌کردند. از چه؟ از احساس وجود خود توبه می‌کردند. هر انسانی یک وجودی برای خود دارد، حضرت از این توبه می‌کردند؛ برای اینکه ایشان فانی فی‌الله بودند. در هر صورت وقتی ما می‌بینیم حضرت با چه عجز و لابه‌ای استغفار می‌کنند، باید از

خودمان خجالت بکشیم و ادب را از ایشان یاد بگیریم، ادب در استغفار و ادب در دعا و از خودمان کمی شرمنده بشویم. هر اندازه شیطان کنار رفت و مجال پیدا کردیم از خودمان شرمنده بشویم. حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام در درگاه خداوند پرسید که چگونه تو را بخوانم؟ خداوند فرمود: من را با زبانی که گناه نکرده‌ای بخوان. حضرت عرض کرد: خدایا، این زبانی که دارم پراز گناه است. خطاب رسید: من را با زبان غیر بخوان. این التماس دعا که ما می‌گوییم همین است. در واقع ما از خودمان شرمنده‌ایم، زبان و دست و گوش و همه‌ی اعضا و روح ما گناهکار است ولی از دیگری التماس دعا می‌خواهیم و می‌گوییم تو برای من دعا کن؛ برای اینکه با زبان دیگران گناه نکرده‌ایم.

در ادامه‌ی متن می‌فرمایند که انسان بهتر است بعد از آنکه توجّه به خطاهای خودش کرد، برای اجدادش به خصوص پدر و مادرش، فرزندانش، برادرانش (چه برادران نسبی، چه برادران ایمانی) دعا بکند. مرحوم حضرت صالح علیشاه مثال می‌زدند، می‌فرمودند: فرزندی که از پدرش همه چیز را برای برادرش می‌خواهد و هیچ چیزی برای خودش نمی‌خواهد، چون برای دیگری

می‌خواهد و التماس می‌کند، پدر هم قبول می‌کند. وقتی به برادرش چیزهایی را داد، به خود او هم می‌دهد. در واقع وقتی برای برادران ایمانی یا پدر و مادرش می‌خواهد، بطور ضمنی خودش را هم عرضه می‌کند، منتها خودش را آنقدر کوچک می‌بیند که خجالت می‌کشد چیزی بخواهد، این است که برای دیگران می‌خواهد. در اینجا اشاره‌ای است به آیه‌ی قرآن: وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ^۱، خداوند آنهایی را که ایمان دارند به بهشت می‌برد و ذُرّیه‌شان را (از پدرانشان و فرزندانشان و برادرانشان و ازواجشان) همه‌ی آنهایی را که در ایمان از آنان پیروی کردند، همراه با آنها به بهشت می‌برد یعنی اگر درجه‌ی آنها پایین‌تر باشد در اثر خواسته‌ی او، آنها را هم بالا می‌برد. برای اینکه اگر دعای من درباره‌ی فرزندم مورد اجابت قرار بگیرد، من خودم هم اگر اندک لیاقتی داشته باشم، به دنبال آن فرزند می‌روم یا اگر برای برادرم می‌خواهم دعایی بکنم و مورد اجابت قرار بگیرد، طبق همان آیه من هم دنبال او می‌روم. در واقع بهترین است که دعای ما، برای دیگران یعنی برای پدر و مادر و اقوام باشد. حضرت نوح

عرض می‌کند: رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا.^۱
منظور اینکه دعا برای دیگران به خصوص پدر و مادر، در
معرض اجابت قرار می‌گیرد.

امیدوارم خداوند، هم حال دعا به ما بدهد و هم خودش
تفضل بفرماید و قبول کند.

ای دعا از تو اجابت هم ز تو

ایمنی از تو مهابت هم ز تو^۲

۱. سوره نوح، آیه ۲۸.

۲. مثنوی معنوی، دفتر دوم، بیت ۶۹۴.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

و چون خداوند اذن در شفاعت پیغمبر ﷺ داده و شفاعت او را پسندیده، در آغاز و انجام دعا چنگ به دامن آن حضرت زده و صلوات بفرستد و در استغفار وعده‌ی بخشش و رحمت و نیرومندی و دادن دارایی و فرزند و فراوانی و افزونی نعمت و برکت آسمانی و زمینی داده شده است؛ پس در دعا باید با حال استغفار باشد و ذکر استغفار گوید و تا تواند به امور دنیا که پست است نپردازد و خود را از کریم به کم قانع نسازد و به خدا واگذارد که او کفایت مهمّات نماید و بدی احدی را تا بشود نخواهد که اسباب زحمت گردد و اگر چه هر آنی که حال دعا بیاید همان موقع ساعت استجاب است و هر شب بندگی نماید در به رویش باز شود و شب قدر گردد ولی اوقاتی که برای عبادت قرار داده و نام برده‌اند توجّه بیشتر و مؤثرتر است و مواقعی که بزرگی به وصال رسیده و یا دری به روی خلق باز شده است، البته توجّه تمام‌تر گردد.^۲

پندصالح خیلی فشرده است، در هر عبارتش و هر کلمه‌ای معانی آیات قرآن و اخبار و احادیث گنجانده شده است، به همین دلیل باید در هر کلمه و عبارتش دقت و توجّه نماییم.

فرموده‌اند که در اوّل و آخر دعا صلوات بر پیغمبر ﷺ

۱. تلفیقی از شرح رساله شریفه پندصالح در جلسات فقری شب‌های جمعه تاریخ‌های ۱۳۷۷/۴/۲۵، ۱۳۷۷/۵/۱، ۱۳۷۷/۵/۸، ۱۳۷۷/۵/۲۹، ۱۳۷۷/۶/۵، ۱۳۸۷/۱۱/۲۴ و ۱۳۸۷/۱۲/۱ ه. ش.
۲. پندصالح، صص ۷۶-۷۵.

فرستاده شود. خداوند که اوّل و آخر دعا را با هم بالا می برد پس به بنده اش رحم می کند، وسطش را هم قبول می کند یعنی دعایی که اوّل و آخرش صلوات باشد قبول می شود. البتّه اینها تمثیل است و الاّ دعا یک چیز مادّی نیست که آن را بالا ببرند؛ منظور این است که خداوند قبول می کند. اثر دیگرش هم این است که در واقع با توسّل به پیامبر و اهل بیت، به خودمان اعلام کرده و می گوئیم که در ذیل توجّهات و عنایات اهل بیت هستیم و آنها را واسطه و شفیع قرار می دهیم.

این صلوات درود است. البتّه هر چند بدن پیغمبر ﷺ از این دنیا رفته ولی روحش تمام امتش را در دنیا زیر نظر دارد ولی برای اینکه ما بفهمیم و توجّه داشته باشیم که به ما نگاه می کند، باید در اوّل دعا یک صلوات بفرستیم و در واقع شفاعت پیغمبر ﷺ را خواستار بشویم. وقتی با صمیم قلب صلوات می فرستیم، بطور ضمنی از پیغمبر ﷺ درخواست می کنیم که بنده ای از بندگان روسیاه خدا، از امت تو، به درگاه خدا می رود و از تو شفاعت می خواهد، تو هم برای ما استغفار کن. آیه ی قرآن است: إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا، آن کسی که بر نفس خودش ظلم کرد (در واقع هر گناهی، ظلم

انسان بر نفس خود است. آدم و حوّا هم عرض کردند: رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ^۱، پروردگارا ما بر نفس خود ظلم کردیم) چنین کسی وقتی به سمت خدا آمد و از خداوند طلب بخشش نمود و پیغمبر نیز برای او استغفار کرد، در این صورت خداوند را تَوَّابِ درمی‌یابد؛ خداوند تَوَّابِ و رحیم است. این است که در اوّل و آخر هر دعایی بهتر است صلوات فرستاده شود که در واقع چنگ زدن به دامن پیغمبر ﷺ است. فرموده‌اند: در استغفار وعده‌ی به بخشش و رحمت است. در همین آیه: وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ^۲، آمده که خداوند بخشنده و رحیم است و وقتی می‌بیند که به سویش برگشتید، تمام نعمات را می‌دهد؛ استغفار را که قبول فرمود، نعمات را هم می‌دهد. همچنین فرموده است: وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ^۳، اگر مردم، اهل قریه‌ها، ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، از زمین و آسمان برایشان نعمت می‌ریزیم. در اینجا «أَهْلَ الْقُرَىٰ» فرموده است که دالّ بر همه‌ی مردم است و معکوسش را متأسّفانه ما خیلی دیدیم.

در اینجا این بحث پیش می‌آید که آیا دعا با حالت تسلیم و

۱. سوره اعراف، آیه ۲۳.

۲. سوره حجرات، آیه ۱۲.

۳. سوره اعراف، آیه ۹۶.

رضا منافات دارد؟ به قول مولانا در مثنوی می‌گوید:

قوم دیگر می‌شناسم ز اولیاء

که دهانشان بسته باشد از دعا^۱

خامشند و نعره‌ی تکرارشان

می‌رود تا عرش و تخت یارشان^۲

در اینجا می‌گوید اولیایی هستند که دهانشان از دعا بسته باشد. معلوم می‌شود که دعا به دل است نه به زبان، در این شعر مولانا می‌خواهد بگوید: ممکن است که به زبان دعا نکنند ولی دلشان نعره‌هایی می‌زند که تا پای عرش یارشان می‌رود. به علاوه خداوند فرموده است که از من بخواهید. خداوند دلش می‌خواهد که بندگانش هر چه می‌خواهند از او بخواهند، از این رو می‌فرماید: *وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا*^۳، هر چه می‌خواهید از فضل و کرم خدا بخواهید؛ برای اینکه خداوند دوست دارد که از او چیزی بخواهید. از خداوند هم کم نخواهید. خداوند می‌فرماید که بعضی‌ها دعا می‌کنند که *رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا*^۴، خدایا در دنیا به ما خیر و خوبی بده. خدا بطور ضمنی می‌فرماید که چیزی جلویشان می‌اندازیم ولی آنها از آخرت نصیبی ندارند؛ اما به دنبالش

۱. مثنوی معنوی، دفتر سوم، بیت ۱۸۸۰.

۲. مثنوی معنوی، دفتر سوم، بیت ۳۸۴۸.

۳. سوره نساء، آیه ۳۲.

۴. سوره بقره، آیه ۲۰۰.

می‌فرماید که کسانی هم می‌گویند: رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ اُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ^۱، کسانی هستند که می‌گویند: خدایا، هم در دنیا و هم در آخرت به ما خیر و حسنه برسان، خداوند دعای اینها را قبول می‌کند و به ازای عملی که کردند چند برابر به آنها پاداش می‌دهد. بد است که از کریم چیز کوچکی بخواهیم. از آن طرف ما هر چه بخواهیم چون بنابه عقل کوچک خودمان است. ما خودمان کوچک هستیم، هر چه بخواهیم هم کوچک است. این است که در دعایی می‌گوید «خدایا مرا آن ده، که آن به».

و خداوند دوست دارد که دعا با تضرع گفته و خواسته بشود. برای اینکه تضرع توأم با توحید معنوی است که جز خدا مؤثری نبیند. هر چه می‌خواهد از خدا بخواهد. این تضرع در درگاه خداست و باید آن چیزهایی که حواسش را مغشوش می‌کنند فراموش کند و بعد هم از خدا، خود خدا را بخواهد که درآیه می‌فرماید: وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ^۲، وقتی بندگان من از من می‌پرسند که خداوند، ما چه وضعیتی داریم؟ ارتباطمان با تو چیست؟ می‌فرماید: فَإِنِّي قَرِيبٌ، من نزدیک هستم. در جای دیگر

۱. سوره بقره، آیات ۲۰۲-۲۰۱.

۲. سوره بقره، آیه ۱۸۶.

می فرماید: وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ^۱، ما از رگ گردن به او نزدیکتر هستیم. اصطلاح رگ گردن تقریباً مثل شیشه‌ی عمر است که می‌گویند وقتی رگ گردن زده می‌شود دیگر مرگ حتمی است. اینجا می‌فرماید: فَإِنِّي قَرِيبٌ، من نزدیک هستم. قریب بودنش را مثال می‌زند: أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ، اجابت می‌کنم دعوت آن کسی که دعا می‌کند. وقتی که من را بخواند (نه از من بخواند) آن را اجابت می‌کنم.

پس چگونه است که خیلی اوقات، کسانی می‌گویند: چرا دعا مستجاب نمی‌شود؟ در خبری هست که بنده با ندای عجز و التماس، دعا می‌کند، دعایش اجابت نمی‌شود؛ فرشتگان وساطت می‌کنند، عرض می‌کنند: خداوندا، این بنده‌ی تو دعا می‌کند، تو را می‌خواند و جوابش را نمی‌دهی؟ می‌فرماید: اگر جوابش را نمی‌دهم، برای این است که در این حال تضرع و بندگی بماند. در آیه‌ی دیگری آمده: وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ^۲، خطاب به نوع انسان می‌فرماید که هر وقت به بلا یا بدی گرفتار می‌شود من را می‌خواند و وقتی که رفع مشکل از او کردیم و نعمت به او دادیم، رویش را برمی‌گرداند؛ انگار نه انگار که یک چنین موضوعی بوده است ولی مع ذلک خداوند

۱. سوره ق، آیه ۱۶.

۲. سوره فصلت، آیه ۵۱.

فرموده که همه‌ی دعاها را قبول می‌کنم.

بعد از آنکه آدم و حوّا را از بهشت بیرون کردند، می‌فرماید: فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ^۱، آدم از خداوند کلمات و معنایی دریافت کرد، پس خداوند توبه‌اش را قبول کرد، سپس او را برگزید یعنی همان وقتی که خدا حالت دعا می‌دهد قبول هم می‌کند. مع‌ذلک شرایطی در اجابت دعا هست که ما باید رعایت بکنیم: اولین چیز مسأله‌ی حَقِّ النَّاسِ است یعنی اگر حَقِّ النَّاسِ به گردن ما است، باید آن را ادا کنیم؛ چون خداوند وکیل همه‌ی بندگانش است. اگر هم امکان ندارد، برای او استغفار کنیم. در دعایی می‌گوید: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ نَذْرٍ نَذَرْتُهُ وَكُلِّ وَعْدٍ وَعَدْتُهُ وَكُلِّ عَهْدٍ عَاهَدْتُهُ ثُمَّ لَمْ أَفِ بِهِ، خدایا، از هر نذری که کردم و وفا نکردم و از هر وعده‌ای که به کسی دادم یا به خودم دادم و وفا نکردم یا هر قراردادی که با کسی بستم و وفا نکردم، مرا ببخش؛ چون نمی‌توانم پیدایشان کنم تا از آنها حلال بودی بخواهم، از تو می‌خواهم مرا ببخشی و اگر آنها رفته‌اند به هر نحوی که خودت می‌دانی، از برای من رضایت بگیر. این مسأله‌ی حَقِّ النَّاسِ است که از همه چیز واجب‌تر است. در قرآن هم هست که وقتی برادران یوسف، آن کار را در حَقِّ یوسف کردند و آن جریان طی شد، آن آخر

که یوسف را شناختند (یعنی یوسف خودش را به آنها شناساند) نزد حضرت یعقوب برگشتند و به حضرت عرض کردند: ما چنین گناهی کردیم ما را ببخش، حضرت یعقوب فرمود: سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي^۱، به زودی از خداوند برای شما بخشش خواهم خواست. بعضی پرسیده‌اند که چرا همانوقت حضرت یعقوب استغفار نکرد؟ از میان پاسخ‌هایی که داده شده، یکی که به نظر من خیلی نادرست است این است که حضرت یعقوب منتظر بود شب جمعه بیاید و دعا کند. شب جمعه در زمان حضرت یعقوب که موقعیتی نداشت. کلاً روزها و شب‌ها همه مثل هم هستند. هرکدام را که خدا به آن اهمیت بدهد، اهمیت دارد؛ حال آن روز مهم در اسلام جمعه است ولی نظر من این است که حضرت یعقوب نمی‌دانست که آیا یوسف از این برادران گذشت کرده یا نه؟ حَقُّ النَّاسِ یعنی حَقُّ برادرشان، به گردن آنها بود. بعد که اینها به یوسف رسیدند و از او معذرت‌خواهی کردند، یوسف گفت: لَا تَثْرِبَ عَلَیْكُمْ الْیَوْمَ^۲، امروز دیگر سرزنشی بر شما نیست؛ و رفع شد.

دوم اینکه دعای خیر بکنید؛ هرگز دعای شرّ یا دعای خلاف شرع استجاب نمی‌شود و اگر هم اجابت نمی‌شود از روی لطف خداست. فقط یک بار در تاریخ دیده‌ایم که خدا از یک

۱. سوره یوسف، آیه ۹۸.

۲. سوره یوسف، آیه ۹۲.

مستجاب‌الدَّعوه یعنی کسی که دعوتش مورد اجابت می‌شد، دعای شری را قبول کرد و او بلعم باعورا بود. او خودش مقام ارجمندی در سلوک داشت، نزدیک پیغمبری بود. مجبورش کردند که دعا کند که موسی به زحمت بیفتد؛ حال چه شد که این کار را کرد؟ به هر حال خدا دعایش را قبول کرد ولی خودش را از آن اوج سلوک که داشت به ته جهنم فرستاد.

از دیگر دعاهایی که اجابت نمی‌شود، وقتی است که دستور خاصی را که داده‌اند، اجرا نکنیم و بعد از همان جهت به زحمت بیفتیم. خیلی‌ها نامه می‌نویسند که فلان کس مقداری از ما پول گرفته، حالا هر چه مطالبه می‌کنیم نمی‌دهد و هر چه دعا می‌کنیم اجابت نمی‌شود. از خیلی از آنها پرسیدم: نوشته‌ای دارید؟ گفتند: نخیر! همینطوری دادیم. گفتم: حَقِّش همین است، خداوند این دعای شما را اجابت نخواهد کرد، برای اینکه خودش گفته وقتی معامله‌ای کردید، عهده‌ی کردید، بنویسید.

در دعا حالات مختلف وجود دارد ولی یک حالت که قرآن صریحاً در مورد حضرت زکریا و زن حضرت گفته این است که حضرت زکریا اولادی نداشت، از خداوند خواست که خدایا به من فرزندی بده که وارث معنوی ام باشد. وَزَكَرِيَا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي

فَرَدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ^۱، وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَيَرِثْ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا.^۲ خداوند هم قبول فرمود و حضرت یحیی را به او داد. در صفت این زن و مرد می فرماید: کَانُوا يَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ^۳، اینها کار خیر را به سرعت انجام می دادند؛ معطل نمی کردند. مثلاً اگر می خواستند انفاقی به همسایه شان بکنند، نمی گفتند حالا خسته ام، شب است، فردا می روم. يَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ یعنی در کار خیر، تسریع می کردند و خدا را از رغبت و از ترس می خواندند. این دو حالت، همان حالات خوف و رجاء است که باید دو بال مؤمن باشد. هر دو باید با هم متعادل باشند؛ که جلوه ی این خوف و رجاء، همین رَغَبًا وَرَهَبًا است. این است که وقتی دعا می کنیم، باید هم به خداوند امیدوار باشیم و هم از اینکه خدای نکرده دچار غضب او بشویم، بترسیم. باید هر دو حالت را داشته باشیم.

در هر زمان می توان دعا کرد. دعا، خواستن از خدا است. اصل دعا یعنی اظهار نیاز یک نیازمند به یک غنی، ارتباط اینها به صورت دعاست. ما همیشه نیازمند به خداوند هستیم، لحظه ای

۱. سوره انبیاء، آیه ۸۹.

۲. سوره مریم، آیات ۶-۵.

۳. سوره انبیاء، آیه ۹۰.

نیست که از خداوند بی‌نیاز باشیم. خداوند هم همیشه غنی و بی‌نیاز از همه‌ی بندگانش است. بنابراین وقت دعا همیشگی است. منتها ما باید توجّه کنیم که وقتی احساس کردیم که نیازمندیم و خداوند بی‌نیاز، آنوقت عبارات دعا، منطبق با دل ما خواهد بود، وَاَلَّا لِقَلْقَه‌ی زبَان است. مثل خیلی دعاها و حتّی مثل خیلی از زیارت‌نامه‌ها که می‌خوانیم؛ چنانکه وارد به حَرَمی می‌شویم، فرض بفرمایید حرم حضرت رضا عَلَيْهِ السَّلَام، در اوّل ورود می‌گوییم: **أَدْخُلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَدْخُلُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ...** یعنی آیا داخل بشویم ای رسول خدا؟ معنای این سؤال را باید بفهمیم. اگر می‌پرسی، چرا نمی‌ایستی تا جواب بشنوی؟ باید جواب بشنوی و آن جواب هم با گوش دل شنیده می‌شود، نه با این گوش. با گوش دل باید جواب بشنوی. وارد حرم شده‌اید و بعد می‌گویید: **أَدْخُلُ؟** اگر از جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و همه می‌خواهی اجازه بگیری، پس باید حرف آنها را بشنوی، باید بدانی که جبرئیل هم خادم درگاه امام رضاست، از خادم هم باید اجازه بگیری. البته بعضی‌ها چنان اشتیاق دیدار ارباب را دارند که به خادم دم در توجّهی ندارند و وقتی در باز بود، داخل می‌روند و سلام می‌کنند. به هرجهت به معنای دعایی که می‌کنیم باید توجّه داشته باشیم. در مورد زمان دعا (همانطور که گفتیم) اصل همین است؛ منتها در بعضی مواقع

خاص که از جهات دیگری خداوند به ما دستور توجّه داده (مثلاً نمازهای پنجگانه) در آن اوقات، دعا بهتر ادا می‌شود. اوراد و تعقیبات نماز هم از همین قبیل دعاها است.

پس دعا موقع ندارد؛ چون دعا به زبان نیست، به دل است، بنابراین همیشه می‌شود دعا کرد. این است که می‌فرماید: مَنْ فُتِحَ لَهُ بَابٌ فِي الدُّعَاءِ فَتَحَتْ لَهُ أَبْوَابُ الْإِجَابَةِ، کسی که در دعا به رویش باز شد، همانوقت در اجابت هم باز شده است.

ای دعا از تو اجابت هم ز تو

ایمنی از تو مهابت هم ز تو^۱

اگر خداوند توفیق حال دعای معنوی و واقعی را به ما داد، در همانوقت اجابت هم کرده است. در واقع هر زمان که حال دعا را بدهد خودش هم خواهد گفت دعا کن. آیا شایسته است که خودش بگوید دعا کن بعد قبول نکند؟ منتها گفته‌اند چون در مواقع خاصی توجّه انسان زیادتر می‌شود، در آن مواقع اگر دسته‌جمعی چیزی را از خداوند بخواهند، اجابت می‌شود. می‌گویند: اگر چهل مؤمن (در بعضی اخبار هفت مؤمن) واقعاً از صمیم قلب امری را بخواهند، خداوند قبول می‌کند. یا هر شب، شب قدر است اگر قدر بدانید. هر شبی که این حالت دست داد و

۱. مثنوی معنوی، دفتر دوم، بیت ۶۹۴.

حال دعا بود آن شب، شب قدر است. شب‌هایی مثل شب عید فطر، عید قربان... که شب‌های بزرگی هستند، در این مواقع دعا بهتر به اجابت می‌رسد. یا در اعیادی که خداوند موهبتی به یکی از بزرگان داده است در واقع به اُمت داده است. مثلاً وقتی پیغمبر ﷺ علی عَلِيٍّ را تعیین فرمود، موهبتی به علی عَلِيٍّ داده شد که در واقع برای ما هم موهبت است. یا در مواقعی که یکی از بزرگان از این قفس خلاص شده (مثل موقع شهادت حضرت علی عَلِيٍّ، رحلت حضرت پیغمبر ﷺ، شهادت حضرت امام حسین عَلِيٍّ) و به وصال دوست رسیدند، در این مواقع دعاها بهتر به اجابت می‌رسد.

فهرست جزوات قبل

شماره	عنوان	قیمت
۱	گفتارهای عرفانی ^۱ (قسمت اول - دی و بهمن ۱۳۸۶)	مجموعه شماره یک: ۸۰۰۰ تومان (شامل ۱۳ جزوه)
۲	گفتارهای عرفانی (قسمت دوم - بهمن ۱۳۸۶ تا فروردین ۱۳۸۷)	
۳	گفتارهای عرفانی (قسمت سوم - اسفند ۱۳۸۶ تا خرداد ۱۳۸۷)	
-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت اول)	
۴	گفت وگوهای عرفانی ^۲ (قسمت اول - متن ۶ مصاحبه - تابستان و آذر ۸۶ اردیبهشت، مرداد و آذر ۸۷)	
۵	مکاتیب عرفانی ^۳ (قسمت اول ۷۶-۱۳۷۵)	
۶	استخاره (همراه با سی دی صوتی)	
۷	مقدمه ی روز جهانی درویش	
۸	مکاتیب عرفانی (قسمت دوم ۷۹-۱۳۷۷)	
۹	گفتارهای عرفانی (قسمت چهارم - اردیبهشت، خرداد و تیر ۱۳۸۷)	
۱۰	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجم - تیر ۱۳۸۷)	مجموعه دو: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)
۱۱	گفتارهای عرفانی (قسمت ششم - مرداد و شهریور ۱۳۸۷)	
۱۲	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتم - شهریور ۱۳۸۷)	
-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت دوم)	
۱۳	خانواده و اختلافات خانوادگی و علل عمده (قسمت اول)	
۱۴	حقوق مالی و عشریه (قسمت اول)	
۱۵	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتم - مهر ۱۳۸۷)	
۱۶	مکاتیب عرفانی (قسمت سوم ۱۳۸۰)	

۱. گفتارهای عرفانی: بیانات صبح‌های شنبه، یک‌شنبه، چهارشنبه، پنج‌شنبه، جمعه و مناسبت‌ها.

۲. گفت وگوهای عرفانی: مجموعه‌ی مصاحبه‌ها.

۳. مکاتیب عرفانی: مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها.

مجموعه سه:	مجموعه سه:	گفتارهای عرفانی (قسمت نهم - مهر ۱۳۸۷)	۱۷
مجموعه سه:	مجموعه سه:	گفتارهای عرفانی (قسمت دهم - مهر و آبان ۱۳۸۷)	۱۸
مجموعه سه:	مجموعه سه:	گفتارهای عرفانی (قسمت یازدهم - آبان ۱۳۸۷)	۱۹
مجموعه سه:	مجموعه سه:	گفتارهای عرفانی (قسمت دوازدهم - آبان و آذر ۱۳۸۷)	۲۰
مجموعه سه:	مجموعه سه:	گفتارهای عرفانی (قسمت سیزدهم - آذر ۱۳۸۷)	۲۱
مجموعه چهار:	مجموعه چهار:	شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم (قسمت اول)	۲۲
مجموعه چهار:	مجموعه چهار:	شرح فرمایشات حضرت صادق <small>علیه السلام</small> (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة) (قسمت اول)	۲۳
مجموعه چهار:	مجموعه چهار:	شرح فرمایشات حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> (شرح رساله حقوق) (قسمت اول)	۲۴
مجموعه چهار:	مجموعه چهار:	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت سوم)	-
مجموعه چهار:	مجموعه چهار:	مکاتیب عرفانی (قسمت چهارم ۸۱-۱۳۸۰)	۲۵
مجموعه پنج:	مجموعه پنج:	گفتارهای عرفانی (قسمت چهاردهم - مردادالی آذر ۱۳۸۷)	۲۶
مجموعه پنج:	مجموعه پنج:	گفتارهای عرفانی (قسمت پانزدهم - آذر ۱۳۸۷)	۲۷
مجموعه پنج:	مجموعه پنج:	گفتارهای عرفانی (قسمت شانزدهم - آذر و دی ۱۳۸۷)	۲۸
مجموعه پنج:	مجموعه پنج:	گفتارهای عرفانی (قسمت هفدهم - دی ۱۳۸۷)	۲۹
مجموعه پنج:	مجموعه پنج:	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت چهارم)	-
مجموعه شش:	مجموعه شش:	گفتارهای عرفانی (قسمت هجدهم - دی و بهمن ۱۳۸۷)	۳۰
مجموعه شش:	مجموعه شش:	گفتارهای عرفانی (قسمت نوزدهم - بهمن ۱۳۸۷)	۳۱
مجموعه شش:	مجموعه شش:	گفتارهای عرفانی (قسمت بیستم - اسفند ۱۳۸۷)	۳۲
مجموعه شش:	مجموعه شش:	گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و یکم - اسفند ۱۳۸۷)	۳۳
مجموعه شش:	مجموعه شش:	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت پنجم)	-
مجموعه هفت:	مجموعه هفت:	نقشه راهنمای موقعیت مزار سلطانی بیدخت در کشور ایران	۲۰۰ تومان
مجموعه هفت:	مجموعه هفت:	مکاتیب عرفانی (قسمت پنجم ۸۳-۱۳۸۲)	۳۴
مجموعه هفت:	مجموعه هفت:	مکاتیب عرفانی (قسمت ششم ۱۳۸۴)	۳۵
مجموعه هفت:	مجموعه هفت:	شرح فرمایشات حضرت صادق <small>علیه السلام</small> (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة) (قسمت دوم)	۳۶
مجموعه هفت:	مجموعه هفت:	شرح فرمایشات حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> (شرح رساله حقوق) (قسمت دوم)	۳۷
مجموعه هفت:	مجموعه هفت:	مجموعه دستورالعمل ها و بیانیه ها (قسمت اول)	۳۸

		مکاتیب عرفانی (قسمت هفتم ۸۷-۱۳۸۴)	۳۹
مجموعه هشتم: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)		شرح فرمایشات حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> (شرح رساله حقوق) (قسمت سوم)	۴۰
		شرح فرمایشات حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> (شرح رساله حقوق) (قسمت چهارم)	۴۱
		شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم (قسمت دوم)	۴۲
		مجموعه دستورالعمل ها و بیانیه ها (قسمت دوم)	۴۳
مجموعه نهم: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)		گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و دوم - فروردین ۱۳۸۸)	۴۴
		گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و سوم - فروردین ۱۳۸۸)	۴۵
		گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و چهارم - فروردین ۱۳۸۸)	۴۶
		گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و پنجم - اردیبهشت ۱۳۸۸)	۴۷
		شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت ششم)	-
مجموعه ده: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)		گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و ششم - مرداد ۱۳۸۹)	۴۸
		گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و هفتم - مرداد و شهریور ۱۳۸۹)	۴۹
		گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و هشتم - شهریور ۱۳۸۹)	۵۰
		گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و نهم - شهریور و مهر ۱۳۸۹)	۵۱
		گفتارهای عرفانی (قسمت سی ام - مهر ۱۳۸۹)	۵۲
مجموعه یازده: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)		گفتارهای عرفانی (قسمت سی و یکم - اردیبهشت ۱۳۸۸)	۵۳
		گفتارهای عرفانی (قسمت سی و دوم - اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۸)	۵۴
		گفتارهای عرفانی (قسمت سی و سوم - خرداد ۱۳۸۸)	۵۵
		گفت و گوهای عرفانی (قسمت دوم - عرفان در کار اداری - بهار و تابستان ۱۳۸۹)	۵۶
		گفتارهای عرفانی (قسمت سی و چهارم - خرداد ۱۳۸۸)	۵۷

	۵۸	گفتارهای عرفانی (قسمت سی و پنجم - خرداد و تیر ۱۳۸۸)
	۵۹	درباره‌ی حقوق مالی و عشریه (قسمت دوم)
	۶۰	خانواده و اختلافات خانوادگی و علل عمده (قسمت دوم)
	۶۱	گفت‌وگوهای عرفانی (قسمت سوم - سال‌های ۸۹ - ۱۳۸۸)
	۶۲	رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات (قسمت اول)
مجموعه دوازده: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	۶۳	رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات (قسمت دوم)
	۶۴	رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات (قسمت سوم)
	۶۵	رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات (قسمت چهارم)
	۶۶	گفتارهای عرفانی (قسمت سی و هشتم - تیر ۱۳۸۸)
	۶۷	گفتارهای عرفانی (قسمت سی و نهم - تیر ۱۳۸۸)
مجموعه سیزده: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	۶۸	گفتارهای عرفانی (قسمت سی و هشتم - تیر و مرداد ۱۳۸۸)
	۶۹	گفتارهای عرفانی (قسمت سی و نهم - مرداد و شهریور ۱۳۸۸)
	-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت هفتم)
	-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت هشتم)
	-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت نهم)
مجموعه چهارده: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	۷۰	مُلَخَّص گزارشات در مورد عرفان (هدیه نوروزی ۱۳۹۰)
	۷۱	گفتارهای عرفانی (قسمت چهارم - شهریور ۱۳۸۸)
	۷۲	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجم و یکم - شهریور ۱۳۸۸)
	۷۳	گفتارهای عرفانی (قسمت ششم و دوم - مهر ۱۳۸۸)
	۷۴	گفتارهای عرفانی (قسمت ششم و سوم - مهر ۱۳۸۸)
	۷۵	گفتارهای عرفانی (قسمت ششم و چهارم - مهر ۱۳۸۸)
	۷۶	گفتارهای عرفانی (قسمت ششم و پنجم - مهر و آبان ۱۳۸۸)
	۷۷	گفتارهای عرفانی (قسمت ششم و هشتم - آبان ۱۳۸۸)
	۷۸	گفتارهای عرفانی (قسمت ششم و نهم - آبان و آذر ۱۳۸۸)
	۷۹	گفتارهای عرفانی (قسمت ششم و دهم - آذر ۱۳۸۸)
	-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت دهم)
مجموعه پانزده: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۱۰ جزوه)	۸۰	شرح فرمایشات حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> (شرح رساله حقوق)
	۵۰۰ تومان	

۸۱	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت اول)	
۸۲	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت دوم)	
۸۳	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت سوم)	
۸۴	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت چهارم)	
۸۵	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت پنجم)	
۸۶	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت ششم)	
۸۷	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت هفتم)	
۸۸	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت هشتم)	
۸۹	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت نهم)	
-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت یازدهم)	
۹۰	مکاتیب عرفانی (اسفند ۱۳۷۵ الی خرداد ۱۳۸۷)	۵۰۰ تومان
۹۱	گفتارهای عرفانی (قسمت چهل و نهم)	
۹۲	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاهم)	
۹۳	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و یکم)	
۹۴	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و دوم)	
۹۵	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و سوم)	
۹۶	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و چهارم)	
۹۷	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و پنجم)	
۹۸	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و ششم)	
۹۹	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و هفتم)	
-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت دوازدهم)	
۱۰۰	شرح فرمایشات حضرت صادق <small>علیه السلام</small> (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة) (جلد اول)	۵۰۰ تومان

مجموعه شانزده:
شامل ۱۰ تومانی
(جزوه)

مجموعه هفده:
شامل ۱۰ تومانی
(جزوه)

	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و هشتم)	۱۰۱
	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و نهم)	۱۰۲
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصتم)	۱۰۳
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و یکم)	۱۰۴
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و دوّم)	۱۰۵
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و سوّم)	۱۰۶
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و چهارم)	۱۰۷
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و پنجم)	۱۰۸
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و ششم)	۱۰۹
	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت سیزدهم)	-
۵۰۰ تومان	شرح رساله شریفه پندصالح (جلد اوّل)	۱۱۰
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و هفتم)	۱۱۱
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و هشتم)	۱۱۲
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و نهم)	۱۱۳
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتادم)	۱۱۴
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتاد و یکم)	۱۱۵
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتاد و دوّم)	۱۱۶
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتاد و سوّم)	۱۱۷
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتاد و چهارم)	۱۱۸
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتاد و پنجم)	۱۱۹
	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت چهاردهم)	-
۵۰۰ تومان	شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم (جلد اوّل)	۱۲۰
۵۰۰ تومان	درباره‌ی مزار سلطانی بیدخت و شرح زندگی و حالات اقطاب اخیر	۱۲۱
۵۰۰ تومان	شرح رساله شریفه پندصالح (جلد دوّم)	۱۲۲
۵۰۰ تومان	فهرست موضوعی جزوات	۱۲۳
۵۰۰ تومان	درباره‌ی ذکر و فکر	۱۲۴

مجموعه هجده:
۱۰۰۰ تومان
(شامل ۱۰ جزوه)

مجموعه نوزده:
۱۰۰۰ تومان
(شامل ۱۰ جزوه)

مجموعه بیست: ۵۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتادوششم)	۱۲۵
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتادوهفتم)	۱۲۶
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتادوهشتم)	۱۲۷
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتادونهم)	۱۲۸
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادم)	۱۲۹
درباره‌ی بیعت و تشرّف		۱۳۰
مجموعه بیست و یک: ۵۰۰ تومان (شامل ۱۰ جزوه)	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادویکم)	۱۳۱
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادودوم)	۱۳۲
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادوسوم)	۱۳۳
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادوچهارم)	۱۳۴
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادوپنجم)	۱۳۵
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادوششم)	۱۳۶
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادوهفتم)	۱۳۷
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادوهشتم)	۱۳۸
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادونهم)	۱۳۹
	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت پانزدهم)	-
مجموعه بیست و دو: ۵۰۰ تومان (شامل ۱۰ جزوه)	گفتارهای عرفانی (قسمت نودم)	۱۴۰
	گفتارهای عرفانی (قسمت نود و یکم)	۱۴۱
		۱۴۲
		۱۴۳
	پرسش و پاسخ	۱۴۴
	با گزیده‌هایی از بیانات	۱۴۵
	حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده	۱۴۶
	(مجدوب علیشاه)	۱۴۷
		۱۴۸
		۱۴۹

۲۰۰ تومان	شرح فرمایشات حضرت صادق <small>علیه السلام</small> (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة) (جلد دوم)	۱۵۰
-----------	---	-----
